

ارادت به سردار نور و آینه

گپ و گفتی با محترم رضایی، کارگردان نمایش «قهرمان من»، که به شهادت سردار سلیمانی پرداخته است



شماره

شهربانو

شنبه
۱۲ دی ۱۴۰۱
۹ جمادی الثانی ۱۴۴۴
شماره ۳۸۵۰

(۴)

یکی نذر روضه خانگی کرده است. یکی سفره صلوات پهن می کند. یکی دیگر از همه زنان محله پول جمع کرده و برای سومین سالگرد، پوستر سردار را خریده است و روی شیشه مغازه ها می چسباند. یکی دیگ آتش نذری گذاشته است. یکی ایستگاه صلواتی علم کرده و خیمه حاج قاسم راه انداخته است. خیلی های دیگر هم پای زنده نگهداشتن یاد و نام مردی آمده اند که از ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۸ داغ نداشتن او بر دل ما نشسته است، داغی که با نام و یاد او همیشه زنده می ماند. برای این زنده نگهداشتن، هر کسی با هر توانی پای کار می آید.

در این سال ها سرودها، نمایش ها، داستان ها و کتاب های زیادی با محوریت سردار عزیز شهید ما ساخته شد که بسیاری از آن ها هنر هنرمندان توانمند مشهود بود. یکی از این هنرمندان توانمند مشهودی محترم رضایی است، کارگردان، نویسنده و عروسک ساز. او نه تنها برای مناسبت های

➤ شروع از شش سالگی

هنر با دوران کودکی او عجین شده است. از حدود شش سالگی برای بازی در نمایش عروسکی انتخاب می شود و این مسیر را تا الان که در آستانه چهل سالگی قرار دارد ادامه می دهد، مسیری که همراه با دغدغه های آموزشی برای نسل کودک و نوجوان بوده است. «سال ۶۷ مهد کودک می رفتم. پدر یکی از بچه ها که کارگران بود برای نمایشی عروسکی دنبال بازیگر بود و من در تست پذیرفته شدم. در همان سن، خودم را در تلویزیون دیدم و این بزرگ ترین جرقه در زندگی من برای انتخاب این رشته و گرایش به آن بود. آن موقع در دو نمایش حسنی و نه نه سرما بازی کرده بودم. به ما گفته بودند چند روز دیگر نمایش پخش می شود. خانه مادر بزرگم بودم. تلویزیون روشن بود که یکدفعه نمایش پخش شد و من خودم را در تلویزیون دیدم. برایم یک لحظه پرهیجان بود. سال ها بعد که صدا و سیما رفتم، خیلی تلاش کردم آن کار از آرشو پیدا کنم اما نبود.»

➤ خانواده هنرمند

انتخاب هنر نمایشی، تئاتر و سینما در ادامه مسیر باعث ازدواج هنری این بانوی توانمند می شود. «قرار بود یک نمایش مشترک برای نیروی انتظامی با آقای امیر توکلی نسب کار کنیم. درباره معضلات اجتماعی بود. آشنایی ما در آن نمایش باعث ازدواج و البته رشد من در مسیر هنری بود. همسر من رابه ادامه راه ترغیب می کرد. بعد از آن بود که در دانشگاه رشته سینما خواندم و وارد کارهایی مانند طراحی دکور و ساخت المان شدم. کارهای زیادی در فرهنگ سراهای مختلف انجام دادم، مانند طراحی های فرهنگ سرای کودک و آینده، فرهنگ سرای زیارت و فرهنگ سرای غدیر. در تلویزیون زیاد بازی کرده ام. آخرین کاری که انجام دادم در مجموعه مدیترانه بود که مدیر صحنه بودم. همسر هم در این حوزه فعال بود. از اجرا و مجریگری گرفته تا بازیگری داشت. دو دختر هم اهل تئاتر و بازیگری هستند. پرنیا که چهارده ساله است، در مستند دکتر شیخ، تاسپیده و آخرین خواب بارانی بازی کرده و دختر دیگرم، پرنیکا، که هشت سال دارد چندین بازی در تئاتر داشته است.»

